

## رجب پناهی\*، ادريس مرسلی\*

تاریخ دریافت: ۸۵/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۲۶

### چکیده

چگونگی ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری از دغدغه‌های اصلی کشور است. ایجاد فرصت‌های شغلی به دلیل نقش مسلم آن در کاهش فقر و نابرابری، اهمیت خاصی دارد. در تحقیق حاضر نابرابری اشتغال مناطق شهری و روستایی کشور طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مورد بحث قرار گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که طی مدت مذکور گرایش ایجاد فرصت‌های شغلی به سمت مناطق شهری بوده به طوری که تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در شهرها بیش از ۵/۲۵ برابر مناطق روستایی بوده است. طی این مدت، با اینکه بیش از ۳۶/۶ درصد بیکاران اضافه شده به مناطق روستایی اختصاص داشته، ولی تنها حدود ۱۶ درصد اشتغال اضافه شده به این مناطق متعلق بوده است. این نابرابری و شکاف اشتغال نه تنها در طول سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۵-۸۵) کاهش نیافته بلکه از حدود ۴ برابر سالهای

---

\* به ترتیب: دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران و کارشناس ارشد اقتصاد

e-mail: panahi1400@yahoo.com

e-mail: edri1348@yahoo.com

قبل از انقلاب (۱۳۳۵-۵۵) به ۵/۶۲ برابر در سالهای بعد از انقلاب (۱۳۶۵-۸۵) افزایش داشته است. کمترین اختلاف در افزایش فرصتهای شغلی طی سالهای ۱۳۴۵-۵۵ اتفاق افتاده است. در این ده سال به ازای ایجاد هر یک شغل در روستاها حدود ۳/۴۲ شغل در شهرها ایجاد شده است. همچنین بیشترین اختلاف در افزایش فرصتهای شغلی طی ده سال ۱۳۷۵-۸۵ رخ داده که به ازای هر یک شغل در روستاها بیش از ۷/۲۳ شغل در شهرها ایجاد شده است. با توجه به نقش اشتغال در کاهش نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق شهری و روستایی کشور و نیز تعدیل مهاجرت‌های روستایی، گسترش متعادل فرصتهای شغلی بین این مناطق ضروری است. اگر چنین رویکردی مورد توجه قرار نگیرد، با توجه به شدت نابرابریهای اشتغال در سالهای اخیر، گسترش مهاجرت‌های روستایی به شهرها و تخلیه مناطق روستایی با افزایش معضلات موجود شهری محتمل خواهد بود.

#### کلید واژه‌ها:

نابرابری، اشتغال شهری، اشتغال روستایی، شهر، روستا

#### مقدمه

افزایش رشد جمعیت و توزیع ناهمگون آن در بین مناطق مختلف کشور نگرانیهای زیادی را همچون چگونگی ایجاد اشتغال به دنبال داشته است. این موضوع مهمترین دغدغه و ضروری‌ترین هدف برای مدیریت کشور بوده و بدین منظور طرحهای کوتاهمدت نظیر "طرح ویژه اشتغال" طراحی شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: ۱۹). در برنامه چهارم توسعه کشور نیز ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته با انگیزه گسترش سرمایه‌گذاری در این مناطق مطرح شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳، ۴۳). بدین ترتیب جایگاه و اهمیت موضوع اشتغال در نظام برنامه‌ریزی کشور مشخص گردیده است. اما آنچه در چگونگی ایجاد فرصتهای شغلی مهم است، ایجاد فرصتهای برابر اشتغال در مناطق مختلف کشور از جمله مناطق شهری و روستایی می‌باشد که به نظر می‌رسد تاکنون چنین نبوده است.

بررسی نابرابری اشتغال ...

در این باره بررسی نابرابری و نبود توازن بین مناطق شهری و روستایی کشور مبین اعمال سیاستهای ناهمگونی است که طی بیش از پنجاه سال برنامه‌ریزی در کشور به وجود آمده است. این نبود تعادل در بررسی شاخصهای توسعه‌ای مناطق شهری و روستایی کشور نیز مشهود است. با اینکه طی سالهای بعد از انقلاب کاهش فقر و محرومیت از اهداف این دوره قلمداد شده و گامهای مناسبی در برخورداری جامعه روستایی از امکانات مختلف زندگی نظیر آب آشامیدنی، راه، برق، مدرسه، تلفن و... برداشته شده است، ولی همچنان امکانات روستایی در مقایسه با امکانات شهری در حد نازلی است. براساس گزارشهای منتشر شده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در سال ۱۳۷۹ میزان دسترسی جمعیت ساکن مناطق روستایی و شهری به آب آشامیدنی سالم به ترتیب ۸۶/۱ و ۹۶/۸ درصد بوده است. طبق همین آمار، برخورداری جمعیت روستایی از راه مناسب معادل ۸۹/۳ درصد بوده، درحالی که تمام شهرهای کشور از راه آسفالت مناسب بهره‌مند بوده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴، ۹۳۲). همچنین براساس نتایج بررسیهای انجام شده، شدت فقر در روستاها حدود ۳ برابر شهرها (برنامه مبارزه با فقر، ۱۳۷۹، ۴۳)، و تعداد خانوارهای فقیر در روستاها تقریباً ۲ برابر خانوارهای فقیر شهری بوده است (مبانی و مستندات برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳، ۱۳۵).

تأمین شغل در جامعه فقیر مهمترین وسیله برای توزیع درآمد است. به نظر می‌رسد ارتباط مستقیمی بین طبقات درآمدی و اشتغال شهری و روستایی وجود دارد، به طوری که گسترش فرصتهای شغلی بخش عمده‌ای از معضل فقر روستایی را از بین می‌برد.

یکی از عوامل نابرابری شهری و روستایی کشور نوع نگرش به ایجاد فرصتهای شغلی است. چنین به نظر می‌رسد که نبود توازن در توزیع فرصتهای شغلی بین مناطق شهری و روستایی کشور نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشته است. افزایش نابرابری در یک جامعه، علاوه بر کاهش بهره‌وری نیروی کار، موجب کاهش تقاضای محصولات داخلی و کاهش اعتماد مردم به مسئولان اقتصادی و در نتیجه، بروز ناآرامیها در کشورها شده است (طراز کار و زیبایی، ۱۳۸۳، ۱۳۸). این مقاله می‌کوشد از زاویه آمارهای

رسمی کشور میزان نابرابری اشتغال شهری و روستایی را طی سرشماریهای انجام شده تبیین کند. این بررسی علاوه بر نشان دادن تحولات فرصتهای شغلی ایجاد شده در گذشته، آثار محتمل روندهای نابرابر اشتغالی را در تشدید مهاجرت‌های روستایی گوشزد می‌کند.

### سابقه تحقیق

روند تعاریف توسعه مبین آن است که تا اوایل دهه ۱۹۷۰، معیارهای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری در تعریف توسعه مورد توجه نبوده و توسعه به عنوان رشد درآمد سرانه مطرح بوده است (تودارو، ۱۳۷۰، ۱۳۳). در این دوره شاخص ارزیابی توسعه، رشد اقتصادی در نظر گرفته شده بود، به طوری که دانشمندان همانند هی‌گینز و می‌یر (Higgins, 1968, 10; Meier, 1989, 7) توسعه را معادل رشد اقتصادی تعریف کرده اند. واقع چنین پنداشته می‌شد که نرخهای بالاتر رشد اقتصادی به معنای حرکت سریعتر به سمت رفع فقر و کاستن از فاصله کشورهای جهان سوم با کشورهای پیشرفته صنعتی خواهد بود. نظریه نابرابری "کوزنتس"<sup>۱</sup> نقش مهمی در توجیه رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدها داشت. وی معتقد بود که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمدها افزایش می‌یابد، ولی به تدریج و در مراحل بعدی رشد اقتصادی، از میزان نابرابریها کاسته خواهد شد (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۲۵). بررسی تجربه کشورهای در حال توسعه طی سه دهه اخیر عکس این نظریه را اثبات می‌کند، به طوری که "با وجود صرف منابع بسیار عظیم و تحقق رشدهای قابل توجه در این کشورها، علایم مشخصی از کاهش نابرابری و بهبود وضعیت فقرا بوجود نیامد" (مؤمنی، ۱۳۷۸، ۵).

بر اساس یافته‌های جدید مشخص شد که رشد اقتصادی به خودی خود حاوی هیچ نوع اطلاعات دقیق و روشن در زمینه بهبود وضعیت فقرا نیست، بنابراین، شاخصهای دیگری در میزان توسعه یافتگی کشورها مورد توجه قرار گرفت. از جمله این شاخصها، کاهش میزان

---

۱. Kuznets

## بررسی نابرابری اشتغال ...

نابرابری بود به طوری که میردال<sup>۱</sup> شرط لازم در تسریع روند توسعه را کاهش نابرابری مطرح کرده است (میردال، ۱۳۵۰، ۸۶). در همین زمینه سیرز میزان تغییرات فقر، بیکاری و نابرابری را سؤالات اصلی توسعه یک کشور دانسته است (Seers, 1969, 3). تودارو<sup>۲</sup> کاهش نابرابری را شرط توسعه قلمداد کرده و می نویسد: "توسعه را باید جریانی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است" (تودارو، ۱۳۷۰). دانشمندانی نظیر بوکه<sup>۳</sup>، هیگینز<sup>۴</sup>، ماینت<sup>۵</sup>، استیگلیتز<sup>۶</sup>، لوئیس<sup>۷</sup>، هریس و تودارو<sup>۸</sup> و ... انواع نابرابری را تحت عنوان دوگانگی در کشورهای جهان سوم مورد بحث قرار داده اند (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۳۷۳-۳۱۳).

از جمله این نظریه ها که به بحث مقاله حاضر ارتباط بیشتری پیدا می کند، نظریه لوئیس و تنیز هریس و تودارو است که به اختصار بدانها اشاره می گردد.

آرتور لوئیس اقتصاد کشورهای در حال توسعه را یک اقتصاد دویبخشی روستایی و شهری تلقی می کند. در بخش روستایی عرضه نامحدود نیروی کار وجود دارد و سطح دستمزدها برابر سطح حداقل معاش است. در این سطح دستمزدها آن قدر مازاد نیروی کار وجود دارد که انتقال آن از بخش روستایی به مناطق شهری هیچ تأثیری در تولید متوسط در بخش کشاورزی ندارد. سرمایه گذاری تنها در بخش صنعت (شهری) صورت می گیرد و سود حاصل از این سرمایه گذاری ها دوباره در صنعت شهری سرمایه گذاری می شود. لوئیس پیش بینی می کند که نیروی کار روستایی به دنبال دریافت دستمزد بیشتر و به علت وجود فرصت اشتغال در شهر، به شهر مهاجرت می کند تا جایی که مازاد نیروی کار در روستا پایان پذیرد (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۱۵۴-۱۵۵).

۱. Mirdal

۲. Todaro

۳. Boeke

۴. Higgins

۵. Myint

۶. Stiglitz

۷. Lewis

۸. Harris & Todaro

مدل دویبخشی لوئیس در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰، نظریه عمومی پذیرفته شده فرایند توسعه در کشورهای جهان سوم به شمار می آید. فرض بر این بود که با تحقق این مدل، فعالیتهای بخش کشاورزی روستایی به صنعت شهری تغییر مکان می یابد و دگرگونی ساختی اقتصاد (توسعه) به وقوع می پیوندد (تودارو، ۱۳۷۰، ۳۸۴-۳۸۶). بررسی مدل فوق نشاندهنده نقدهای زیادی است که بر آن وارد می باشد. این مدل با واقعیات مسائل توسعه کشورهای جهان سوم نظیر مسئله نابرابری و اشتغال مغایرت دارد. در این کشورها دولت نقش اساسی در کاهش فقر و نابرابری و ایجاد اشتغال ایفا می کند و در صورت اراده کافی و اتخاذ سیاستهای مناسب ایجاد اشتغال، می تواند روند تغییرات ذکر شده در مدل را معکوس کند. مدل اساساً برای مسئله بیکاری منشاء روستایی متصور است و فرض ضمنی آن نیز این می باشد که در شهر بیکاری وجود ندارد، بیکاری روستایی نیز از طریق سرمایه گذاری در شهر از بین می رود؛ در صورتی که تجربه های موجود عکس این وضعیت را نشان می دهند. به طوری که ایجاد فرصتهای شغلی در شهر موجبات شدت بیکاری شهری را فراهم می سازد. برای نمونه دولت کینیا در سال ۱۹۶۴ تعداد فرصتهای شغلی را در پایتخت این کشور (نایروبی) ۱۵ درصد افزایش داد. ایجاد فرصتهای شغلی در مناطق شهری، میزان مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری نایروبی را آن قدر افزایش داد که تعداد بیکاران در مناطق شهری چندین برابر شد. تجربیات زیادی در مورد ایجاد اشتغال جدید در مناطق شهری و از بین بردن بیکاری وجود دارد که نتایج و عواقب آن کاملاً معکوس بوده است (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۳۶۶).

بررسی چگونگی تعادل بیکاری شهری و روستایی موضوع دو مقاله "تودارو" و "هریس و تودارو" بوده که با عنوان مدل هریس و تودارو مطرح شده است. فرض این مدل وجود دو بخش اقتصاد نوین (شهری) و سنتی (روستایی) است که در آن سطح دستمزدهای مناطق شهری بیشتر از دستمزدهای روستایی است و همین مسئله انگیزه مهاجرت از روستا به شهر را پدید می آورد. بر اساس این مدل، تحلیل می شود که اگر سیاستهای مستقیم برای از بین بردن بیکاری از طریق ایجاد اشتغال بیشتر در بخش شهری اعمال شود، ممکن است حتی مشکل بیکاری را تشدید کند (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۳۴۹-۳۵۴).

بررسی نابرابری اشتغال ...

تودارو در این باره معتقد است که راه حل اقتصاد سنتی بیکاری در شهرها (یعنی ایجاد مشاغل بیشتر در بخش نوین شهری بدون بهبود درآمدها و ایجاد فرصت‌های اشتغال در روستاها به طور همزمان) می‌تواند به موقعیت متناقضی منتهی شود. به عبارت دیگر، اشتغال بیشتر در شهرها موجب افزایش بیکاری در شهر و روستا می‌شود. وجود نرخ بالاتر اشتغال شهری باعث می‌گردد که تفاوت مورد انتظار بین مزد شهری و روستایی بیشتر شود و بر میزان مهاجرت افزوده شود. برای هر شغل جدیدی که در شهر ایجاد می‌شود ممکن است ۲ تا ۳ مهاجر، که با بازده تولیدی در مناطق روستایی کار می‌کردند، به شهر بیایند. به این ترتیب اگر ۱۰۰ شغل جدید ایجاد شود ممکن است ۳۰۰ مهاجر جدید به شهر بیایند و ۲۰۰ نفر به بیکاران شهر اضافه شود. بنابراین، سیاست طرح‌ریزی شده برای کاهش بیکاری شهری نه تنها سطح بالاتر بیکاری شهری، بلکه سطح پایین‌تر تولید و اشتغال کشاورزی را نیز می‌تواند موجب شود (تودارو، ۱۳۷۰، ۸-۳۹۷). بدین ترتیب ایجاد اشتغال در شهرها و توسعه مناطق شهری می‌تواند به رکود اقتصادی و حتی وخیم شدن وضع اقتصادی مناطق روستایی بینجامد. میردال چنین شرایطی را به دوگانگی منطقه‌ای تعبیر می‌کند. به عقیده وی مناطق و محله‌هایی که در آنها فعالیت اقتصادی رو به گسترش است، نظر جوانان و افراد فعال سایر نقاط کشور را به خود جلب می‌کند و این به معنی گسترش اقتصادی این مناطق به قیمت رکود اقتصادی مناطق عقب افتاده است. وی نقش دولت را در گسیل سرمایه‌ها به سمت مناطق عقب‌افتاده به منظور کاهش نابرابریها مؤثر می‌داند (قره باغیان، ۱۳۷۶، ۹-۳۶۴).

در کشورهای جهان سوم روندهای توسعه با ایجاد فرصت‌های شغلی همراه نبوده و عواملی نظیر ساختار اقتصادی - اجتماعی، شیوه برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آنها مهمترین منابع نابرابری درآمدها و سطوح زندگی در شهرها و روستاها بوده است (فنی، ۱۳۷۵، ۶).

در ایران گرایش سرمایه‌گذاری به بخش‌های صنعت و خدمات شهری نابرابری شهری و روستایی را موجب شده است. پروین در مقاله خود به این نکته اشاره می‌کند که طی دوره ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۹ نه تنها زمینه‌های نابرابری بین بخش روستایی و شهری فراهم بوده بلکه امکان

توزیع نابرابر عواید حاصل از رشد در روستاها هم وجود داشته است (پروین، ۱۳۷۵، ۲۱۶). تغییرات بودجه دولت طی دوره ۳۰ ساله نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بودجه دولت صرف امور غیرتولیدی شده است. این نوع تخصیص بودجه، که عمدتاً به جنبه‌های گسترش تقاضا توجه دارد، معمولاً متوجه گروههای پردرآمد، به ویژه جمعیت شهری است. فطرس با بررسی اثر هزینه‌های دولت بر شکاف درآمدی روستا-شهری طی سالهای ۱۳۶۱-۷۰ به این نتیجه می‌رسد که افزایش مخارج دولت (به‌ویژه مخارج مصرفی) شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی را تشدید کرده است (فطرس، ۱۳۷۶، ۹۴).

آسایش نابرابری و شکاف شهر و روستا را در ابعاد وسیعتری مورد بحث قرار داده و با ذکر شاخصهای نابرابری درآمد شهری و روستایی، سطح رفاه شهرنشینان را بهتر از روستانشینان ارزیابی کرده است (آسایش، ۱۳۷۶، ۱۸-۲۶).

علافر ایجاد اشتغال در کاهش فقر را مؤثر دانسته و به تفاوت‌های شغلی مناطق شهری و روستایی اشاره کرده است. وی رفع مشکل بیکاری در مناطق روستایی را آسانتر از مناطق شهری دانسته و دلیل آن را همگنی شغل‌های روستایی و پیچیدگی شغل‌های شهری ذکر کرده است (علافر، ۱۳۷۶، ۲۴۸).

طراز کار و زیبایی پیامد نابرابری شهری و روستایی را افزایش مهاجرت روستاییان و کاهش تولیدات کشاورزی و به دنبال آن، افزایش وابستگی به واردات دانسته است (طراز کار و زیبایی، ۱۳۸۳، ۱۵۲).

فاضلی با بررسی ارتباط اشتغال و فقرزدایی در کشور، نبود فرصت‌های شغلی کافی در روستاها و وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرها را دلیل مهاجرت روستاییان ذکر کرده و از جمله آثار گرایش‌های اشتغالزایی در شهرها را افزایش نرخ بیکاری این مناطق دانسته است. طبق بررسی وی، افزایش نسبی فرصت‌های شغلی در شهرها، نرخ بیکاری این مناطق را از ۵/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۵/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش داده است (فاضلی، ۱۳۷۵، ۵۸۴).



بررسی نابرابری اشتغال ...

ارزیابی برنامه‌های اجرا شده در کشور نشان می‌دهد که گرایشهای سرمایه‌گذاری شهری در طول نظام برنامه‌ریزی، افزایش اشتغال شهری را موجب شده و میزان نابرابریهای شهری-روستایی را شدت بخشیده است به طوری که مشکل بیکاری در ابعاد وسیعتر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و حتی سیاسی، در کل کشور (هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی) مشهود می‌باشد.

### روش تحقیق

در این مقاله میزان نابرابری و شکاف اشتغال بین مناطق شهری و روستایی کشور طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ بررسی شده است. تمام آمار و اطلاعات و نیز تعریفها و مفاهیم به کار رفته بر اساس مستندات مرکز آمار ایران است که در سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کشور به کار گرفته شده‌اند. بنابراین، روش تحقیق مقاله حاضر، اسنادی و کتابخانه‌ای است، به نحوی که تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق با استفاده از مطالعات و اسناد کتابخانه‌ای و آمار و اطلاعات سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران صورت گرفته است.

### نتایج و بحث

#### ۱. تحولات جمعیت مناطق شهری و روستایی

طی سالهای گذشته جمعیت شهری و روستایی کشور دچار تغییرات زیادی شده و آثار نگران‌کننده‌ای در بازار کار این مناطق داشته است. در طول ۵۰ سال (۱۳۳۵-۸۵) جمعیت کشور از حدود ۱۹ میلیون نفر به ۷۰/۵ میلیون نفر رسیده که رشدی معادل ۲/۶۶ درصد در سال داشته است. در همین مدت، جمعیت شهری از حدود ۶ میلیون نفر به ۴۸/۲ میلیون نفر رسیده که رشدی معادل ۴/۲۷ درصد در سال داشته است. بدین ترتیب جمعیت شهری کشور با ۸۴۶ هزار نفر افزایش در سال، ۸/۱ برابر شده است. بیشترین افزایش جمعیت شهری کشور طی ده سال ۱۳۷۵-۸۵ اتفاق افتاده به طوری که میزان این افزایش حدود ۳ برابر افزایش جمعیت شهری در

۱۰ سال ۱۳۳۵-۴۵ و ۱/۸۸ برابر افزایش جمعیت شهری در ۱۰ سال ۱۳۴۵-۵۵ بوده است. افزایش تعداد جمعیت شهری کشور در ۲۰ سال بعد از انقلاب (۶۵-۸۵) بیش از ۲/۱۶ برابر آن در ۲۰ سال قبل از انقلاب (۳۵-۵۵) بوده است. تغییرات تعداد جمعیت شهری و روستایی کشور در جدول املاحظه می شود.

### جدول ۱. تعداد جمعیت مناطق روستایی، شهری و کل کشور طی سالهای ۱۳۳۵-۸۵

(واحد: هزار نفر)

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	تغییرات	متوسط	نرخ رشد
شرح	۱۳۳۵-۸۵	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه	افزایش سالانه
روستایی	۱۳۰۰۱	۱۵۹۹۴	۱۷۸۵۴	۲۲۶۰۰	۲۳۲۳۸	۲۲۲۲۸	۹۲۲۷	۱۸۵	۱/۰۸
شهری	۵۹۵۴	۹۷۹۴	۱۵۸۵۵	۲۶۸۴۵	۳۶۸۱۸	۴۸۲۴۵	۴۲۲۹۱	۸۴۶	۴/۲۷
کل کشور	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۸	۳۳۷۰۹	۴۹۴۴۵	۶۰۰۵۶	۷۰۴۷۳	۵۱۵۱۸	۱۰۳۱	۲/۶۶

مأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۳۵-۸۵ مرکز آمار ایران

در طول ۵۰ سال ۱۳۳۵-۸۵ جمعیت روستایی از حدود ۱۳ میلیون نفر به ۲۲/۲ میلیون نفر رسیده و با رشدی معادل ۱/۰۸ درصد در سال حدود ۹/۲ میلیون نفر افزایش یافته است. در این مدت جمعیت روستایی کشور سالانه حدود ۱۸۵ هزار نفر افزایش داشته و ۱/۷۱ برابر شده است. بیشترین افزایش جمعیت روستایی در ده سال ۱۳۵۵-۶۵ اتفاق افتاده؛ به طوری که میزان آن حدود ۴۷۴۶ هزار نفر بوده ولی در ده سال ۱۳۷۵-۸۵ تعداد جمعیت روستایی ۱۰۱۰ هزار نفر کاهش داشته است. همچنین تعداد جمعیت روستایی سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۶۵-۸۵) با ۳۷۲ هزار نفر کاهش مواجه بوده، در حالی که تعداد جمعیت روستایی در سالهای قبل از انقلاب (۳۵-۵۵)، حدود ۳۸۴۳ هزار نفر افزایش داشته است.

اگرچه طی سالهای ۱۳۳۵-۵۵ اکثریت جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت داشته‌اند، ولی افزایش جمعیت شهری همواره بیشتر از افزایش جمعیت روستایی بوده است.

بررسی نابرابری اشتغال ...

در سال ۱۳۳۵ که جمعیت شهری کمتر از نصف جمعیت روستایی بوده، افزایش جمعیت شهری طی ده سال ۱۳۳۵-۴۵ معادل  $1/3$  برابر افزایش جمعیت روستایی بوده است. نگاهی به تحولات جمعیت در مناطق شهری و روستایی کشور نشان‌دهنده وجود شکاف در افزایش جمعیت دو منطقه به نفع مناطق شهری است. این شکاف از ۸۴۷ هزار نفر در ده سال اول به شدت افزایش یافته و با یک روند ملایم در ده سال آخر (۱۳۷۵-۸۵) به حداکثر می‌رسد. " ایجاد برخی صنایع در کنار شهرها، گسترش سازمانهای دولتی (لشگری و کشوری)، توسعه شبکه بانکی و تمرکز سرمایه‌های کلان در شهرها به‌ویژه در تهران، بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری در روستا و رفع نیاز روستاییان و نیز تداوم سیاست مبادله نابرابر و ستمگرانه مواد اولیه و کالاهای ساخته‌شده بین شهر و روستا دلیل این نابرابری بوده است. پس از انقلاب نیز با توجه به ساختی شدن پدیده رشد نامتناسب جمعیت شهرها و عدم رویارویی قاطع با عوامل برهم‌زننده تعادل در افزایش منطقی و موزون جمعیت شهری و روستائی در کشور علت رشد بی‌رویه شهرها بوده است " (رزاقی، ۱۳۷۸، ۴۴).

## ۲. تحولات جمعیت بالای ۱۰ سال شهری و روستایی

طی ۵۰ سال مورد بحث، جمعیت بالای ۱۰ سال کشور از  $12/7$  میلیون نفر به حدود ۵۹ میلیون نفر رسیده، یعنی با رشدی معادل  $3/11$  درصد در سال، حدود  $46/2$  میلیون نفر افزایش داشته و  $4/6$  برابر شده است. در همین مدت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهری از  $4/2$  میلیون نفر به حدود  $40/7$  میلیون نفر رسیده، یعنی با رشدی معادل  $4/65$  درصد در سال حدود  $36/5$  میلیون نفر افزایش یافته و  $9/8$  برابر شده است. در مدت مذکور تحولات مناطق روستایی برعکس مناطق شهری بوده به طوری که جمعیت بالای ۱۰ سال روستایی که در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۲ برابر شهری بوده، با گذشت ۵۰ سال به کمتر از نصف جمعیت بالای ۱۰ سال شهری رسیده است. در این ۵۰ سال یک جابه‌جایی در سهم جمعیت بالای ۱۰ سال شهری و روستایی اتفاق افتاده است به این ترتیب که تا سال ۱۳۵۵ سهم جمعیت بالای ۱۰ سال روستایی بیشتر از شهری بوده ولی از این مقطع به بعد، سهم جمعیت بالای ۱۰ سال روستایی نسبت به شهری به شدت کاهش و در مقابل سهم جمعیت شهری به شدت افزایش یافته است.

طی مدت مذکور جمعیت غیرفعال روستایی سالانه ۱۲۵ هزار نفر افزایش یافته، در حالی که همین افزایش برای مناطق شهری ۴۵۰ هزار نفر بوده است. بنابراین، افزایش تعداد جمعیت غیرفعال شهری معادل ۳/۶ برابر افزایش تعداد جمعیت غیرفعال روستایی کشور بوده است. جدول ۲ تغییرات جمعیت فعال، غیرفعال و نیز جمعیت بالای ۱۰ سال شهری و روستایی و کل کشور را نشان می دهد.

**جدول ۲. تعداد جمعیت فعال، غیرفعال، و ده سال و بیشتر در مناطق روستایی، شهری و کل کشور طی سالهای ۱۳۳۵-۸۵**

(واحد: هزارنفر)

شرح	سال									
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	تغییرات ۸۵-۱۳۳۵	متوسط افزایش سالانه	نرخ رشد سالانه	
جمعیت فعال	روستایی	۴۱۷۳	۵۰۷۳	۵۴۶۱	۵۷۲۸	۶۳۰۶	۷۵۴۰	۳۳۶۷	۶۷	۱/۱۹
	شهری	۱۸۹۳	۲۷۶۸	۴۳۳۶	۷۰۲۶	۹۷۲۱	۱۵۹۲۸	۱۴۰۳۵	۲۸۱	۴/۳۵
	کل کشور	۶۰۶۶	۷۸۴۱	۹۷۹۷	۱۲۷۵۴	۱۶۰۲۷	۲۳۴۶۸	۱۷۴۰۲	۳۴۸	۲/۷۴
جمعیت غیرفعال	روستایی	۴۴۲۴	۵۱۸۰	۶۱۱۴	۸۸۶۵	۱۰۴۴۶	۱۰۶۹۷	۶۲۷۳	۱۲۵	۱/۷۸
	شهری	۲۲۹۴	۳۹۷۸	۷۰۹۲	۱۱۲۵۵	۱۸۹۲۸	۲۴۸۱۴	۲۲۵۲۰	۴۵۰	۴/۸۷
	کل کشور	۶۷۱۸	۹۱۵۸	۱۳۲۰۶	۲۰۱۲۰	۲۹۳۷۴	۳۵۵۱۱	۲۸۷۹۳	۵۷۶	۳/۳۸
جمعیت ساله و بیشتر	روستایی	۸۵۹۷	۱۰۲۵۳	۱۱۵۷۵	۱۴۵۹۳	۱۶۷۵۳	۱۸۲۳۷	۹۶۴۰	۱۹۳	۱/۵۱
	شهری	۴۱۸۷	۶۷۴۶	۱۱۴۲۸	۱۸۲۸۱	۲۸۶۴۸	۴۰۷۴۲	۳۶۵۵۵	۷۳۱	۴/۶۵
	کل کشور	۱۲۷۸۴	۱۶۹۹۹	۲۳۰۰۳	۳۲۸۷۴	۴۵۴۰۱	۵۸۹۷۹	۴۶۱۹۵	۹۲۴	۳/۱۱

مأخذ: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۳۵-۸۵، مرکز آمار ایران

**۳. تحولات جمعیت فعال شهری و روستایی**

در سالهای مذکور جمعیت فعال کشور از حدود ۶ میلیون نفر به حدود ۲۳/۵ میلیون نفر افزایش یافته و ۳/۸۷ برابر شده است. در این مدت جمعیت فعال شهری ۱۴ میلیون نفر افزایش یافته و ۸/۴ برابر شده و جمعیت فعال روستایی حدود ۳/۴ میلیون نفر افزایش یافته و ۱/۸ برابر شده است. افزایش سالانه جمعیت فعال شهری و روستایی به ترتیب ۲۸۱ و ۶۷ هزار نفر بوده و به سهم جمعیت فعال شهری ۳۶/۷ درصد اضافه و از سهم جمعیت فعال روستایی به همین

#### بررسی نابرابری اشتغال ...

اندازه کاسته شده است. بررسی تحولات جمعیت فعال در مناطق یادشده مبین این است که افزایش جمعیت فعال شهری (به جز مقطع ۱۳۳۵-۴۵) به مراتب بیشتر از افزایش همین قشر از جمعیت در مناطق روستایی بوده است. حداکثر این نابرابری در دوره دهساله ۵۵-۶۵ اتفاق افتاده به طوری که میزان افزایش جمعیت فعال شهری بیش از ۱۰ برابر مناطق روستایی شده است. طی ۵۰ سال مورد بحث افزایش جمعیت فعال شهری ۴/۱۷ برابر جمعیت فعال روستایی بوده؛ بدین معنی که در ازای افزایش هریک نفر به جمعیت فعال روستایی، ۴/۱۷ نفر به جمعیت فعال شهری اضافه شده است. میزان این نابرابری در دوره قبل از انقلاب (۳۵-۵۵) حدود ۲ برابر و در دوره بعد از انقلاب (۶۵-۸۵) حدود ۵ برابر بوده است.

علت عمده چنین تحولاتی، مهاجرت روستاییان به شهرها عنوان می شود. به باور تودارو، ۳۵ تا ۶۰ درصد رشد جمعیت شهرها از مهاجرت روستاییان سرچشمه می گیرد (تودارو، ۱۳۷۰، ۳۷۵). زنجانی با تأیید جریان مهاجرت های شهری- روستایی در کشور، اهمیت آن را در مقایسه با کشورهای دیگر کمتر ارزیابی کرده است. وی مسائل مربوط به تعریف شهر و روستا، احداث شهرها و آبادیها، ادغام آبادیها در شهرها و... را نیز در افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی مؤثر می داند (زنجانی، ۱۳۷۸، ۵۱-۷۷). در مهاجرت از روستا به شهر عوامل متعددی مطرح است که از جمله آنها می توان به راهبردهای توسعه دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (تودارو، ۱۳۷۰، ۳۷۸)، نابرابری سطح توسعه، عوامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، استفاده از امتیازات شهری و نابرابری اشتغال شهری و روستایی اشاره کرد.

#### ۴. نابرابری اشتغال شهری و روستایی

در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۷۰ درصد شاغلان کشور در مناطق روستایی سکونت داشته اند و تعداد شاغلان روستایی ۲/۳ برابر شاغلان شهری بوده است. با این حال روند تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور طی ۵۰ سال (۱۳۳۵-۸۵) موجب شده است در

---

۱. در این دوره افزایش تعداد جمعیت فعال شهری ۲۵ هزار نفر کمتر از افزایش جمعیت فعال مناطق روستایی بوده است.

سال ۱۳۸۵ عکس این اتفاق بیفتد؛ یعنی (براساس آمار سرشماری سال ۱۳۸۵) حدود ۶۱ درصد شاغلان کشور در شهرها سکونت داشته‌اند و تعداد شاغلان شهری ۲/۲ برابر شاغلان روستایی بوده است.

طی ۵۰ سال مذکور تعداد شاغلان کشور از حدود ۶ میلیون نفر به حدود ۲۰/۵ میلیون نفر رسیده، یعنی بیش از ۱۴/۵ میلیون نفر افزایش داشته و ۳/۴۶ برابر شده است. در این مدت تعداد شاغلان شهری بیش از ۱۲/۲ میلیون نفر افزایش یافته و ۷/۷۷ برابر شده و تعداد شاغلان روستایی ۲/۳ میلیون نفر افزایش داشته و ۱/۵۷ برابر شده است. جدول ۳ تغییرات تعداد جمعیت شاغل شهری و روستایی را در مدت مذکور نشان می‌دهد.

**جدول ۳. تعداد جمعیت شاغل و بیکار مناطق روستایی، شهری و کل کشور طی سالهای ۱۳۳۵-۸۵**

(واحد: هزار نفر)

شرح	سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	تغییرات	متوسط	نرخ رشد
		۴۱۰۰	۴۲۴۸	۴۶۸۷	۴۹۸۸	۵۷۱۱	۶۴۲۸	۱۳۳۵-۸۵	افزایش سالانه	سالانه
شاغل	روستایی	۴۱۰۰	۴۲۴۸	۴۶۸۷	۴۹۸۸	۵۷۱۱	۶۴۲۸	۲۳۲۸	۴۷	۰/۹
	شهری	۱۸۰۷	۲۶۱۰	۴۱۱۳	۵۹۵۳	۸۸۶۱	۱۴۰۴۶	۱۲۲۳۹	۲۴۵	۴/۱۸
	کل کشور	۵۹۰۷	۶۸۵۸	۸۷۹۹	۱۰۹۴۱	۱۴۵۷۲	۲۰۴۷۴	۱۴۵۶۷	۲۹۱	۲/۵۱
بیکار	روستایی	۷۳	۵۶۸	۷۷۴	۷۴۰	۵۹۶	۱۱۰۹	۱۰۳۶	۲۱	۵/۵۹
	شهری	۸۶	۱۵۸	۲۲۳	۱۰۷۳	۸۶۰	۱۸۸۳	۱۷۹۷	۳۶	۶/۳۶
	کل کشور	۱۵۹	۷۲۶	۹۹۷	۱۸۱۹	۱۴۵۶	۲۹۹۲	۲۸۳۳	۵۷	۶/۰۴

مأخذ: همان مأخذ جدولهای قبلی

در مدت مذکور افزایش سالانه جمعیت شاغل شهری و روستایی به ترتیب ۲۴۵ و ۴۷ هزار نفر بوده و بدین ترتیب افزایش سالانه شاغلان شهری حدود ۵/۲ برابر روستایی بوده است. به عبارت دیگر، به ازای هر شغل ایجاد شده در روستا، بیش از ۵/۲ شغل در مناطق شهری ایجاد شده است؛ یا از هر ۱۰۰ شغل ایجاد شده در کشور کمتر از ۱۶/۲ درصد به روستاها و

بررسی نابرابری اشتغال ...

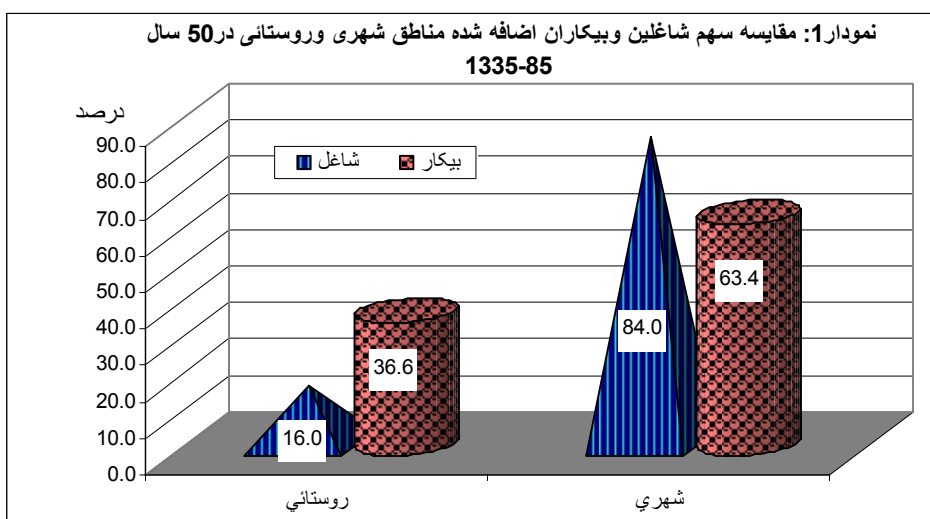
بیش از ۸۳/۸ درصد دیگر نیز به شهرها متعلق بوده است. بنابراین، در ۵۰ سال مورد بررسی نابرابری شدید اشتغال بین مناطق شهری و روستایی وجود داشته است. جدول ۴ و نمودار ۱ چنین وضعیتی را نشان می دهد.

#### جدول ۴. مقایسه تعداد و سهم شاغلان و بیکاران اضافه شده مناطق شهری و روستایی

در ۵۰ سال (۱۳۳۵-۸۵) (واحد: هزار نفر-درصد)

بیکاران اضافه شده		شاغلان اضافه شده		شرح
تعداد	سهم	تعداد	سهم	
۱۰۳۶	۳۶/۶	۲۳۲۸	۱۶	روستایی
۱۷۹۷	۶۳/۴	۱۲۲۳۹	۸۴	شهری
۲۸۳۳	۱۰۰	۱۴۵۶۷	۱۰۰	کل کشور

مأخذ: یافته‌های تحقیق



مأخذ: جدول ۴

نمودار ۱. مقایسه سهم شاغلان و بیکاران اضافه شده مناطق شهری و روستایی در ۵۰

سال (۱۳۳۵-۸۵)

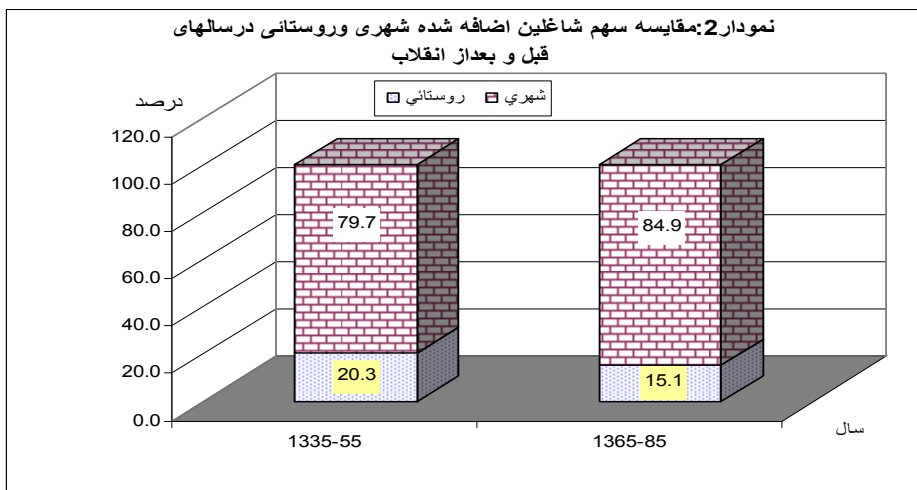
در ۲۰ سال قبل از انقلاب (۱۳۳۵-۵۵) تعداد شاغلان کشور حدود ۲/۸۹ میلیون نفر افزایش یافته که ۲۰/۳ درصد آن به روستاها و ۷۹/۷ درصد دیگر به شهرها متعلق بوده است. در ۲۰ سال بعد از انقلاب (۱۳۶۵-۸۵) که تعداد شاغلان کشور ۹/۵ میلیون نفر افزایش یافته (۳/۳ برابر قبل از انقلاب)، سهم شاغلان روستایی ۱۵/۱ درصد و سهم شاغلان شهری ۸۴/۹ درصد بوده است. جدول ۵ و نمودار ۲ چنین وضعیتی را نشان می دهد.

جدول ۵. مقایسه تعداد و سهم شاغلان اضافه شده شهری و روستایی در سالهای قبل و بعد از انقلاب

(واحد: هزار نفر-درصد)

۸۵-۱۳۶۵		۵۵-۱۳۳۵		شرح
تعداد	سهم	تعداد	سهم	
۱۴۴۰	۱۵/۱	۵۸۷	۲۰/۳	روستایی
۸۰۹۳	۸۴/۹	۲۳۰۶	۷۹/۷	شهری
۹۵۳۳	۱۰۰	۲۸۹۲	۱۰۰	کل کشور

مأخذ: جدول شماره ۳



مأخذ: جدول ۵

نمودار ۲. مقایسه سهم شاغلان اضافه شده شهری و روستایی در سالهای قبل و بعد از انقلاب



### بررسی نابرابری اشتغال ...

بدین ترتیب افزایش شاغلان شهری در سالهای بعد از انقلاب ۵/۲ درصد بیشتر از سالهای قبل از انقلاب بوده و نابرابری اشتغال شهری - روستایی، که در دوره اول کمتر از ۴ برابر بوده، در دوره دوم به بیش از ۵/۶ برابر افزایش یافته است. بنابراین، مشخص می‌شود که در سالهای بعد از انقلاب نابرابری اشتغال شهری و روستایی نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز داشته است. بررسیهای دیگری نیز به این موضوع اشاره دارد که "در سالهای اخیر به دلیل نوع برداشتها، سیاستگذاریها و ساخت نظام اقتصادی، اشتغال در مناطق شهری به زیان اشتغال روستائی روبه افزایش بوده است" (توسلی، ۱۳۷۵، ۲۲۱).

بررسی نابرابری اشتغال شهری و روستایی در مقاطع دهساله مدت مورد بحث نشان می‌دهد که در ده سال ۱۳۳۵-۴۵ میزان نابرابری اشتغال ۵/۴، در ده سال ۱۳۴۵-۵۵ حدود ۳/۴، در ده سال ۱۳۵۵-۶۵ معادل ۶/۱، در ده سال ۱۳۶۵-۷۵ حدود ۴ و در ده سال ۷۵-۸۵ حدود ۷/۲۳ برابر بوده و در هیچ دوره‌ای به کمتر از ۳/۴ برابر نرسیده است.

"در فاصله سالهای ۱۳۵۵-۶۵ فرصتهای شغلی ایجاد شده در نقاط شهری کشور برای هر هزار نفر جمعیت شهری بیش از دو برابر فرصتهای شغلی ایجاد شده برای هزار نفر از جمعیت باقیمانده در روستاها بوده است" (زنجانی، ۱۳۷۱، ۲۰۳-۲۰۴). در این مدت رشد متوسط اشتغال شهری سالانه ۳/۷ درصد ولی رشد اشتغال روستایی تنها ۰/۶ درصد بوده است (توسلی، ۱۳۷۵، ۲۲۲)

نگاهی به تحولات تعداد بیکاران مناطق شهری و روستایی کشور مبین روند معکوس مطالب فوق است، به گونه‌ای که طی ۵۰ سال جمعیت بیکار کشور بیش از ۲/۸ میلیون نفر افزایش داشته و ۱۸/۸ برابر شده و سالانه ۵۷ هزار نفر افزایش یافته است. در این مدت تعداد بیکاران شهری و روستایی به ترتیب ۱۵/۲ و ۲۱/۹ برابر شده و سالانه بیش از ۲۱ و ۳۶ هزار نفر افزایش داشته است. بدین ترتیب از کل بیکاران اضافه شده در کشور بیش از ۶۳/۴ درصد به شهرها و کمتر از ۳۶/۶ درصد نیز به روستاها اختصاص داشته است.

مقایسه تحولات بیکاری در ۲۰ سال قبل و بعد از انقلاب نشان‌دهنده آن است که در ۲۰ سال اول از هر ۱۰۰ نفر بیکار اضافه شده در کشور نزدیک به ۸۴ نفر در مناطق روستایی و ۱۶ نفر نیز در مناطق شهری ساکن بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، افزایش تعداد بیکاران روستایی در این دوره بیش از ۵ برابر مناطق شهری بوده است. در صورتی که در ۲۰ سال دوم از هر ۱۰۰ نفر بیکار اضافه شده در کشور کمتر از ۳۲ نفر در روستاها و بیش از ۶۸ نفر در شهرها ساکن بوده‌اند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مسئله بیکاری روستایی طی سالهای مورد بررسی به معضلی شهری تبدیل شده است. تودارو با نقد سیاستهای اشتغالزایی با رویکردی شهری معتقد است که "امروزه با توجه به تجربه کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن است که آهنگ مهاجرت از روستا به شهر از آهنگ ایجاد مشاغل شهری پیشی گرفته و تا حدی از ظرفیت صنایع و خدمات اجتماعی شهری در جذب مؤثر کارگران فراتر رفته است. در واقع شکست صنایع نوین شهری در ایجاد فرصتهای اشتغال به میزان قابل توجهی، یکی از آشکارترین شکستهای فرایند توسعه در خلال دو قرن گذشته است" (تودارو، ۱۳۷۰، ۳۴۹).

اعمال چنین سیاستی در کشور ما موجب نابرابری شدید اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بین مناطق شهری و روستایی شده است که از جمله آثار این امر بحران مسکن و محیط‌زیست و مسائل حاد اجتماعی است. در واقع انتظار صنعتی شدن کشور نه تنها با محوریت شهرها و صنعت شهری تحقق نیافته بلکه موانع توسعه ملی در کشور نیز بیشتر شده است، به طوری که در حال حاضر نابرابری‌های آمایشی، کانون یکی از جدیترین تهدیدها بر ضد توسعه و امنیت ملی محسوب می‌شود (مؤمنی، ۱۳۷۶، ۳۴۹).

تجربه نیم قرن توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی در ایران به خوبی نشان‌دهنده ناکامی الگوهای یک بعدی ناموزون و اقتدار گرایانه توسعه است. آثار و تبعات به کارگیری این الگوها موجب تضاد و نابرابری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آمایش سرزمین شده و "بازنگری در بینشها و الگوهای حاکم بر برنامه‌ریزی برای توسعه جامع، پایدار و ملی را ضروری ساخته است" (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳ الف، ۱۶۴). بررسیهای

بررسی نابرابری اشتغال ...

انجام شده مبین توجه ناکافی به سرمایه گذاری در مناطق روستایی است، به طوری که سهم سرمایه گذاری بخش کشاورزی از کل سرمایه گذاری در کشور کمتر از ۶ درصد بوده است (شاگری، ۱۳۸۳، ۱۱۹)؛ در حالی که براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بیش از ۲۳ درصد شاغلان کشور در این بخش فعالیت دارند. با اینکه نسبت‌های بالای اشتغال کشاورزی در کشورهای توسعه نیافته نشانه خوب بودن عملکرد نیست، اما اهمیت و وزن بخش کشاورزی در شرایط کنونی اقتصاد کشور توجه بیشتری را می طلبد (همان منبع، ۱۲۲). این مسئله از طریق تغییر گرایش به توسعه روستایی کشور ممکن می شود؛ زیرا یکی از مهمترین عرصه های بازننگری در اندیشه توسعه ملی، تغییر نوع نگاه به جامعه روستایی والگوهای توسعه روستایی است. اولویت پرداختن به توسعه روستایی غفلتهای پیشین در فرایندهای توسعه ملی را به دنبال نخواهد داشت و از صرف هزینه های عظیم نیز پیشگیری خواهد کرد. مؤمنی حداقل سه اولویت راهبردی توسعه روستایی را در توسعه ملی قائل است: الف) جهت گیری های معطوف به توزیع درآمدها و ثروتها، ب) جهت گیری های معطوف به استقلال اقتصادی و ج) جهت گیری های معطوف به ملاحظات زیست محیطی (مؤمنی، ۱۳۷۶، ۳۸). مطالعات دیگری نیز نقش و اهمیت توجه به مناطق روستایی را در کاهش فقر و نابرابری و بیکاری نشان می دهد؛ صامتی و کرمی در بررسی خود، علت فقر و نابرابری جامعه روستایی را بیکاری و افزایش هزینه های دولت در بخش کشاورزی و مناطق روستایی دانسته اند (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳، ۲۳).

مطالعات نشان می دهد که «ریشه فقر شهری در فقر روستایی نهفته است. بنابراین ضروری است که بخش مهمی از تلاشهای عمرانی نه در شهرهای بزرگ بلکه مستقیماً به ایجاد یک "ساخت کشاورزی-صنعتی" در نواحی روستایی و شهرهای کوچک تعلق گیرد» (فنی، ۱۳۷۵، ۹). گسترش شهرنشینی با اهداف نواستعماری عاملی برای مصرف و نشرالگوی مصرف پروتزیست و تمرکز عظیم جمعیت در مناطق محدودی از کشور آثار بسیار زیانباری به دنبال دارد. از اثرهای دیگر این تمرکز همچنین خالی شدن روستاهاست که این مسئله نیز نه

تنها رها شدن امکانات کشاورزی را در پی دارد، بلکه به دلیل فاصله زیاد روستاها، به کاهش امنیت داخلی کشور نیز می‌انجامد (رزاقی، ۱۳۷۸، ۴۶-۴۷). از همین روست که طراحی یک راهبرد جامع اشتغال، برقراری تعادل اقتصادی مناسب بین شهر و روستا، توسعه یکپارچه روستایی، گسترش صنایع کوچک در سراسر مناطق روستایی و تجدید فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به سوی مناطق روستایی، مهمترین عوامل مطرح شده اند" (تودارو، ۱۳۷۰، ۱۳۳).

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی تحولات جمعیت و اشتغال در مناطق شهری و روستایی کشور حاکی از سرمایه‌گذاری‌های نابرابر ملی در این مناطق می‌باشد. در این باره سرمایه‌های فیزیکی کشور در مناطق شهری متراکم شده و از اثربخشی و بهره‌وری لازم نیز بازمانده است. اعمال سیاست‌های شهرگرایی، تضادهای جوامع شهری و روستایی را به همراه داشته و زمینه‌ساز تداوم شدیدتر جریان‌های مهاجرتی و سکونت تدریجی روستاییان مهاجر در اراضی حاشیه‌ای شهرهای بزرگ شده است.

چنانکه ملاحظه شد، در طول ۵۰ سال، افزایش تعداد شاغلان شهری بیش از ۵/۲ برابر افزایش شاغلان روستایی بوده و نابرابری شدیدی در ایجاد فرصت‌های شغلی بین مناطق شهری و روستایی کشور وجود داشته است. بر اثر سیاست‌های اعمال‌شده در سال‌های مورد بحث نه تنها مشکل بیکاری روستایی حل نشده، بلکه با گسترش فرصت‌های شغلی در شهرها، بیکاری مناطق شهری نیز حادتر شده به نحوی که از کل بیکاران اضافه شده در کشور ۶۳/۴ درصد به شهرها و ۳۶/۶ درصد به روستاها اختصاص داشته است.

بامقایسه تحولات اشتغال شهری و روستایی کشور طی دو مقطع قبل و بعد از انقلاب مشخص شد که در سال‌های بعد از انقلاب و با افزایش روند شهرنشینی، گرایش ایجاد اشتغال نه تنها تغییر معکوسی پیدا نکرده بلکه ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرها با شدت بیشتری تداوم یافته است که البته به نظرمی‌رسد افزایش تعداد بیکاران شهری در این باره مؤثر بوده است.

## بررسی نابرابری اشتغال ...

با توجه به مطالب ذکر شده مشخص می شود که یکی از مهمترین و کم هزینه ترین عوامل کاهش نابرابری و فقر و محرومیت در کشور، ایجاد اشتغال در مناطق روستایی است. این رویکرد علاوه بردستاوردهای ذکر شده، زمینه ساز کاهش عواملی همچون مهاجرت های بی رویه، آلودگی محیط زیست، معضلات مسکن و ترافیک و وابستگی به کالاهای وارداتی است، ضمن اینکه سایر ابعاد توسعه ای را نیز به دنبال خواهد داشت. از همین روست که در طراحی راهبرد جامع اشتغال، ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهر و روستا، توسعه یکپارچه روستایی، گسترش صنایع کوچک در سراسر مناطق روستایی و تجدید جهت گیری فعالیتهای اقتصادی و سرمایه گذاری های اجتماعی به سوی مناطق روستایی مهمترین عوامل به شمار می آیند. بدین منظور پیشنهاد می شود ایجاد اشتغال به تناسب توان تولیدی و سطح توسعه یافتگی روستاها در بخشهای کشاورزی، صنایع تبدیلی و کوچک، و خدمات صورت پذیرد. همچنین با هدایت سرمایه گذاری ها به شهرهای کوچک، از تمرکز شدید امکانات در شهرهای بزرگ جلوگیری شود.

## منابع

۱. آسایش، حسین (۱۳۷۶)، مروری بر پدیده فقر و محرومیت در ایران، ماهنامه جهاد، سال هفدهم، شماره ۲۰۲-۲۰۳، وزارت جهادسازندگی.
۲. برنامه مبارزه با فقر (۱۳۷۹)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۳. پروین، سهیلا (۱۳۷۵)، توزیع درآمد و تداوم رشد، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۴. تودارو، مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه.
۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، جامعه شناسی کار و شغل، انتشارات سمت، تهران.
۶. تقوی، مهدی و احمد غروی نخجوانی (۱۳۷۹)، روند فقر در ایران طی دو دهه گذشته، مجموعه مقالات فقر در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

۷. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۷۸)، آشنایی با اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
۸. رضوی، حسن و محسن علینی (۱۳۷۹)، جهادسازندگی و رویکرد فقر زدایی، مجموعه مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی، وزارت جهادسازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۹. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۰. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۸)، روستا، جمعیت و توسعه، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۳، شماره ۳ و ۴، وزارت جهادسازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۴)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد برنامه سوم توسعه، جلد دوم و سوم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳ الف)، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، جلد اول، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ساماندهی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۱۵. شاکری، عباس (۱۳۸۳)، جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه اقتصادی کشور، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴۸.
۱۶. صامتی، مجید و علیرضا کرمی (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر هزینه های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، تهران.

### بررسی نابرابری اشتغال ...

۱۷. طراز کار، م. و م. زیبایی (۱۳۸۳)، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴۸.

۱۸. علافر، الهه (۱۳۷۶)، مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال، مجموعه مقالات گردهمائی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۱۹. فاضلی، حسین (۱۳۷۵)، اشتغال و فقرزدایی، مجموعه مقالات گردهمائی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۲۰. فطرس، محمدحسن (۱۳۷۶)، اثر هزینه‌های دولت بر شکاف درآمدی روستا-شهر، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۳، شماره ۱۱.

۲۱. فنی، زهره (۱۳۷۵)، عوامل فقرزا در آئینه تئوریهها، مجموعه مقالات تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.

۲۲. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۶)، اقتصاد توسعه، جلد اول، نشر نی، تهران.

۲۳. کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (۱۳۶۹)، اقتصاد سیاسی ایران، جلد دوم، نشر نی.

۲۴. مرکز آمار ایران (۱۳۴۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، مرکز آمار ایران، تهران.

۲۵. مرکز آمار ایران (۱۳۴۷)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵، مرکز آمار ایران، تهران.

۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۵۹)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران، تهران.

۲۷. مرکز آمار ایران (۱۳۶۷)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، تهران.

۲۸. مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، تهران.

۲۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵  
مرکز آمار ایران، تهران.

۳۰. مطالعات آمایش سرزمین، جهت گیریهای آمایش ملی، تیر ۱۳۸۳، سازمان مدیریت  
و برنامه ریزی کشور

۳۱. مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۶)، انتخاب های استراتژیک در توسعه روستایی، سمینار علمی  
کاربردی رشد، معاونت صنایع و توسعه روستایی، وزارت جهادسازندگی.

۳۲. مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۸)، اندیشه فقر و غنا به مثابه یک الگوی راه گشا برای توسعه  
ملی، معاونت صنایع و توسعه روستایی، وزارت جهادسازندگی.

۳۳. میردال، گونار (۱۳۵۰)، طرحی برای مبارزه با فقر جهانی، ترجمه قهرمان قدرت  
نما، انتشارات امیرکبیر، تهران.

34. Higgins, Benjamin (1968), Economic development, New York:  
W.W Norton & COINC/

35. Seers, Dudley (1969), The meaning of development, Eleventh  
World Conference of the Society for International Development,  
New Delhi.

36. Meier, Gerald M. (ed.) (1989), Leading issues in economic  
development, (fifth edition), , Oxford University Press, New York.

---